

## Import of foreign goods and the emergence of a crisis in the production of crafts in the first Pahlavi period

Zohreh shirinbakhsh\*

### Abstract

The relations between Iran and the industrial west in the 12th century AH / 18 AD had various effects and results; In the economic sphere, for example, these results were quite tangible. From the second half of the 13th century AH, the production guilds were most affected by the economic relations between Iran and the West, and in the gradual process of changing the structure of the Iranian economy, did not enjoy the possibility of transformation and modernization in the organization and production technology. Finally, in the first Pahlavi period, the orientation of economic and social relations governing Iranian society caused a significant change or gradual decline of some areas of professional production. In this study, how changes occur in the production of crafts, the actions of craftsmen in adapting or coping with new conditions, and finally the consequences of measures taken in the field of importing goods, are considered. This research has used the method of data collection in the form of libraries, especially archives, and pays attention to the analysis of the relations between professional production and its opposition to industrial production. The results of the present study show that the professionals, in the face of the difficult situation they faced, took solutions in the field of economic policy, countermeasures and cross-cutting actions that were ultimately inefficient and the import of foreign goods remains Remained one of the challenges facing manufacturing industries.

**Keywords:** Import, first Pahlavi, Guilds, industrialize

---

\* PhD of History & Researcher of Iranology foundation, Tehran, Iran, zohreh.shirinbakhsh@gmail.com

Date received: 12/09/2020, Date of acceptance: 22/11/2020



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پرویشگاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## واردات کالای خارجی و بروز بحران در تولیدات پیشه‌وری در دوره پهلوی اول

زهره شیرین بخش\*

### چکیده

روابط ایران و غرب صنعتی در سده ۱۲ق/ ۱۸م آثار و نتایج گوناگونی در پی داشت؛ از جمله در حوزه اقتصادی، این نتایج کاملاً محسوس و قابل توجه بود. از نیمه دوم قرن ۱۳ق، اصناف تولیدی بیشترین تأثیرپذیری را از روابط اقتصادی ایران و غرب داشتند و در روند تدریجی دگرگونی ساختار اقتصاد ایران، از امکان تحول و نوسازی در سازمان و فنآوری تولیدی برخوردار نشدند. در نهایت در دوران پهلوی اول جهت‌گیری مناسبات اقتصادی و اجتماعی حاکم بر جامعه ایران موجب تغییر معنادار یا زوال تدریجی برخی حوزه‌های تولید پیشه‌وری را پدید آورد. در این بررسی چگونگی بروز دگرگونی‌ها در تولید پیشه‌وری، کنش‌های پیشه‌وران در انطباق یا مقابله با شرایط جدید و در نهایت پیامدهای اقدامات صورت گرفته در عرصه واردات کالا، مورد توجه است. این پژوهش از روش جمع‌آوری داده‌ها به شکل کتابخانه‌ای و خاصه آرشیوی سود جسته است و به تحلیل مناسبات تولید پیشه‌وری و تقابل آن با تولید صنعتی توجه دارد. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که پیشه‌وران در برابر وضعیت دشواری که با آن روبه‌رو شده بودند، راهکارهایی در حوزه سیاستگذاری اقتصادی، کنش‌های مقابله‌جویانه و مقطعی در پیش گرفتند که در نهایت ناکارآمد بود و ورود کالای خارجی همچنان به عنوان یکی از چالش‌های پیش روی اصناف تولیدی باقی ماند.

**کلیدواژه‌ها:** واردات، پهلوی اول، اصناف، صنعتی شدن

\* دکترای تاریخ، پژوهشگر بنیاد ایران‌شناسی، تهران، ایران، zohreh.shirinbakhsh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۰۲



## ۱. مقدمه

حیات پیشه‌وری در ایران به‌عنوان یکی از وجوه اصلی تولید، مقاطعی از شکوفایی و ناکامی را پشت سر گذاشته است. در برخی دوره‌ها مجموعه مناسبات اقتصادی داخلی و موقعیت تجاری کشور، فرصت‌هایی فراروی اصناف برای عرض اندام قرار داد، اما با گذشت زمان و بروز شرایط جدید بین‌المللی از اواسط دوره قاجار به بعد، تهدیدات جدی‌تری بروز کرد که توان تولیدکننده داخلی را به چالش می‌طلبید. یکی از وجوه بارز مخاطرات پیش روی اصناف در این مقطع، ورود حجم قابل توجهی از اجناس خارجی به داخل بود که مبدل به معضلی مهم برای تولیدکنندگان داخلی شد و حجم قابل توجهی از نارضایی‌ها و مطالبات اصناف از دولت را به خود اختصاص داد. شناخت این مطالبات به‌عنوان صاحبان کسب‌وکار سنتی در ایران، به درک هرچه بیشتر تاریخ اجتماعی معاصر کمک خواهد کرد.

این بررسی به موضوع تأثیر واردات خارجی بر زوال تولید پیشه‌وری در دوره پهلوی اول می‌پردازد تا چگونگی اثرگذاری آن و نیز راه‌های تاب‌آوری اصناف و پیشه‌وران برای کاهش پیامدهای این وضعیت و حفظ توان تولیدی تبیین شود.

سؤال اصلی در این پژوهش چنین است: در اثر دگرگونی‌های حاصل از تماس با غرب، در اواخر دوره قاجار و پهلوی اول حیات تولید پیشه‌وری چگونه کارکردهای سنتی خود را از دست داد و به ورطه زوال افتاد؟ واکنش‌های پیشه‌وران در برابر انطباق یا مقابله با شرایط جدید چگونه ناکام ماند؟

فرض بر این است که واردات کالاهای خارجی در کنار علل دیگری چون تأسیس صنایع کارخانه‌ای از علل عمده زوال فعالیت‌های شماری از اصناف بود. ضمناً اصناف در مقاطعی واکنش‌هایی نسبت به این پدیده نشان دادند که از منسجم‌ترین آن‌ها در رویکرد اول، جنبش تحریم کالاهای وارداتی و دوم، تلاش برای رواج امتعه داخلی و درخواست سیاست‌های حمایتی از دولت بود.

درباره موضوع واردات و تأثیر آن بر حیات پیشه‌وری تحقیقاتی وجود دارد که البته عمدتاً بر دوره قاجار تمرکز دارد. کتاب «موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران» (اشرف، ۱۳۵۹) ضمن بررسی موانع تاریخی انباشت سرمایه از دو بعد داخلی و خارجی، با مقایسه موقعیت دو گروه تجار و اصناف در جامعه شهری ایران در برابر حکومت، به معضل واردات به‌عنوان یکی از عوامل ناکامی گروه‌های کسب و کار در ایران اشاره دارد و تأثیر سوء این معضل را به‌ویژه بر بازار صنایع پیشه‌وری در دوره قاجار، مورد بررسی قرار داده

است. «تاریخ اقتصادی ایران» (عیسوی، ۱۳۶۲) با توجه به کمبود آثار مستند در زمینه تاریخ اقتصادی ایران، از مواردی است که به مطالبی درباره فروپاشی صنایع دستی ایران در دوره قاجار می‌پردازد. ویلم فلور در دو اثر خود - «صنعتی شدن ایران و شورش شیخ احمد مدنی» (۱۳۷۱) و «صنایع کهن در دوره قاجار» (۱۳۹۳) - به برنامه‌های صنعتی‌سازی دوره پهلوی اول و زوال تدریجی برخی مشاغل و حرف در طول دوره قاجار در پی واردات اشاره دارد. در «جغرافیای اصفهان» (تحویلدار، ۱۳۸۸) اطلاعات ارزشمندی در باب پیشه‌های کهن وجود دارد. نویسنده با بررسی تغییراتی که در نتیجه رواج یک حرفه جدید در برخی پیشه‌های کهن مرتبط ایجاد شده بود و روند کساد یا کاهش جمعیت یک صنف در پی عواملی چون واردات و تغییر ذائقه مردم و مقایسه وضعیت افول برخی پیشه‌ها در اواخر دوره صفوی و دوره قاجار، گستره و فراوانی دگرگونی‌های رخ داده در مناسبات پیشه‌وری و روند انحطاط پیشه‌های کهن جوامع شهری در دوره قاجار را به‌خوبی نشان می‌دهد. مقاله «جنبش تحریم امتعه خارجی در تاریخ معاصر» (ربیعی رودسری، ۱۳۷۵) به تلاش و بسیج عمومی برای مقابله با ورود امتعه خارجی اشاره دارد که به‌عنوان یکی از راهکارهای مهم، مورد توجه بوده است. در بخشی از مقاله «رابطه مالیاتی دولت و اصناف در دوره پهلوی اول: نارضایتی از مالیات صنفی» (شیرین‌بخش و یوسفی‌فر، ۱۳۹۶) و در تحلیل علل ناتوانی برخی مشاغل از پرداخت مالیات به گرایش عموم به امتعه خارجی و ورود برخی کالاها اشاره رفته است. چنین است مقاله «جایگاه بازاریان و اصناف در تحولات سیاسی - اقتصادی ایران از کودتای رضاخان تا دهه نخست سلطنت رضاشاه». (آدینه‌وند و دیگران، ۱۳۹۴)

در اسناد مرتبط نیز، اطلاعات پایه‌ای در محور شکایات اصناف نسبت به موضوع واردات، به‌دست می‌آید که از آن جمله است: «اسنادی از انجمن‌های بلدی و تجار و اصناف» (مختاری اصفهانی، ۱۳۸۰) و مجموعه اسناد عرایض موجود در آرشیو کتابخانه مجلس شورای اسلامی. از خلال اسناد عرایض امکان دسترسی نزدیک‌تر و بهتر به دغدغه‌های مردمان عادی فراهم می‌شود؛ کسانی که همواره در تحلیل‌ها و بررسی‌های سنتی تاریخ نگارانه نادیده گرفته شده‌اند. عریضه‌ها را می‌توان آینه‌ای تمام‌نما از نحوه معیشت و دلمشغولی‌های عمده گروه‌های مختلف مردم، از جمله اصناف دانست و از آن در ترسیم شرایط اقتصادی و اجتماعی آنان بهره برد.

در مقاله پیش رو، با اتکاء به روش توصیفی-تحلیلی، ابتدا با نگاهی گذرا به ریشه‌های این معضل در دوران قاجار به وجوه تاریخی این پدیده اشاره و سپس تلاش شده تا با بهره‌گیری از اسناد و منابع مرتبط، تمرکز بیشتری بر دوره پهلوی اول و تأثیر سوء واردات بر حیات پیشه‌وری در این مقطع صورت گیرد. از این منظر با اتکاء به اسناد عریض، برای نخستین بار به موضوع اصناف در دوره پهلوی اول پرداخته است. بسیاری از آثار پیشین در این زمینه، از منظر پیشینه گروه‌های اصناف، به‌ویژه در دوره صفوی و قاجار و یا ارتباط منشاء اصناف با گروه‌های فتوت به این موضوع توجه نشان داده‌اند.

## ۲. زمینه‌های بحران در تولید پیشه‌وری ایران در قرن سیزدهم قمری

در دوره صفوی (۹۰۷-۱۱۳۵ق) و همزمان با رشد تولیدات پیشه‌وری و کارگاهی در داخل کشور، این بخش سهم مهمی از صادرات ایران را تأمین می‌کرد. (رزاقی ۱۳۸۱: ۱۲) سقوط صفویان (۱۱۳۵ق)، جنگ‌های داخلی و تهاجمات خارجی، تأثیرات مخربی بر تولید پیشه‌وری و مراکز عمده صنایع (اصفهان، کرمان و شیراز) داشت. در پی روی کار آمدن قاجارها با برقراری نظم و امنیت و کاهش صادرات اروپا که در نتیجه جنگ‌های دوران ناپلئون روی داد، اکثر رشته‌های پیشه‌وری احیاء شد. اگرچه به سرعت یک معضل مهم و جدید نمایان شد: سرازیر شدن کالاهای ماشینی غربی. (عیسوی ۱۳۸۲: ۳۹۹) از دهه‌های میانی سده ۱۳ق/۱۹م، اوضاع رو به وخامت گذاشت و همزمان با گسترش روابط با دولت‌های اروپایی، وضعیت غلبه مناسبات نیمه استعماری در ایران پدید آمد و روند ادغام اقتصاد ایران در نظام اقتصاد جهانی، محدود شدن مناسبات بازار محلی، افزایش واردات، زوال صنایع دستی، تسلط قدرت‌های استعماری بر بازرگانان و اصناف داخلی و به‌طور کلی وابستگی اقتصادی نسبت به قدرت‌های استعماری بود. (اشرف ۱۳۵۹: ۴۶) غیرصنعتی بودن ابزار تولیدی، هزینه بالای تولید محصولات و بازدهی پایین نیروی کار، توان رقابت با کشورهای دیگر را سلب می‌کرد. در مقابل، ورود کالاهای ارزان معادلات را به هم می‌ریخت و در نتیجه شرایط دشواری فراهم کرد. (سیف ۱۳۷۳: ۳۱۲)

برخی رخدادهای سیاسی دیگر نیز به روند تضعیف تولید پیشه‌وری شتاب بخشید: از جمله پیامد اقتصادی شکست‌های ایران از روسیه که در نتیجه آن در عهدنامه ترکمانچای (۱۲۴۳ق/۱۸۲۸م) حقوق قابل توجه تجاری و بازرگانی به تجار روسی اعطاء شد و براساس آن، شماری از کشورهای اروپایی نیز به اعتبار اصل دولت‌های کامله‌الولاد از

واردات کالای خارجی و بروز بحران در تولیدات پیشه‌وری در دوره ... (زهره شیرین بخش) ۱۴۳

امتیازات آن برخوردار شدند. (معافیت از حقوق گمرکی به میزان پنج درصد) درحالی که از کالاهای تولیدی داخلی در ایالات مختلف چند بار عوارض دریافت می‌شد. (رزاقی ۱۳۸۱: ۱۳)

اعطای امتیازات اقتصادی به بیگانگان در دوره ناصری به تدریج تغییرات محسوسی در این زمینه ایجاد کرد که از آن جمله، ترکیب صادرات ایران به منظور جبران کسری بازرگانی تغییر یافت و واردات کالای خارجی، به‌ویژه در زمینه منسوجات افزایش یافت. (همان: ۱۵)

فشارهای خارجی به تدریج سیاست تجاری «دروازه‌های باز» را بر اقتصاد ایران تحمیل کرد و توان رقابت تولیدات داخلی را فروکاست. (سیف ۱۳۸۷: ۲۳۴) ادغام ایران در اقتصاد جهانی در دهه‌های پایانی قرن ۱۳ق/ ۱۹م، اقتصاد ایران را از «شیوه‌های تجاری و پیش تجاری و نظام مبادله چند پاره» که در آن بیشتر تولید برای قوت لایموت بود، به «اقتصاد بازار» تبدیل کرد که در آن، میزان اندکی تجارت خارجی هم دیده می‌شد. (اشرف و بنوعزیزی ۱۳۸۷: ۶۳) وابستگی تجار ایرانی به مؤسسات بازرگانی غربی و بازارهای بین‌المللی، ورود کالای خارجی به ایران و زوال صنایع داخلی و تبدیل تجار ایرانی به دلالت کالاهای وارداتی را هموار کرد. (اشرف ۱۳۵۹: ۹۵-۹۷)

از سوی دیگر، در داخل کشور از اواخر دوره قاجار، به تدریج نوعی رغبت عمومی به مصرف کالاهای خارجی و اشیاء تجملی ایجاد و در ادوار بعد تشدید شد. از نیمه دوم سده ۱۳ق با تغییر شرایط و شیوه زندگی مردم، مصرف اجناس جدید و تجملی رواج بیشتری یافت. واردات بی‌رویه این کالاها و ناتوانی تولید کنندگان داخلی در رقابت با کالای ساخت خارج از یکسو و تمایل مردم به استفاده از مصنوعات خارجی از سوی دیگر، ضربه‌ای سخت بر پیکر نحیف تولید داخلی وارد کرد که در نتیجه افت صنایع دستی کهن و تضعیف اصناف قدیمی اجتناب ناپذیر شد. این فرهنگ مصرف گرایی به تدریج هزینه‌های بیشتر و غیرضروری بر خانوارهای ایرانی تحمیل کرد. (پورشافعی ۱۳۸۵: ۱۶۱-۱۶۲)

ناظران از علاقه فراوان همه طبقات جامعه ایرانی - از شاه تا طبقات پایین - به اجناس وارداتی، از جمله بلورجات، زیورآلات و ... سخن گفته‌اند. (کرزن ۱۳۸۷: ۴۲۷) رواج پیشه‌ها و حرفی که معطوف به دلالتی و واسطه‌گری شرکت‌های خارجی و مشاغلی که وابسته به این طرز عمل اقتصادی بود و تنها به رفع نیازهای روزمره مردم می‌پرداخت، از پیامدهای همین شرایط بود؛ چنان‌که در سال‌های بعد نیز کسب و کارهای پرمفعت عمدتاً به همین حوزه‌ها محدود می‌شد. گزارش روزنامه اطلاعات در سال ۱۳۰۸ش با ابراز نگرانی

از رواج مشاغل مصرفی در پایتخت گویای ادامه روندی است که از اواخر دوره قاجار شدت یافته بود:

مردم طهران عموماً دو طبقه هستند. یک طبقه متجددین و فرنگی مآب‌ها که بیشترشان اجزاء ادارات دولتی هستند. یک طبقه هم قدیمی‌ها که بیشترشان کاسب و کارگرند. طبقه اول مشتری امتعه خارجی و دسته دوم خریدار اجناس خوراکی می‌باشند ... بهمین جهت در طهران هرکس یکی از این دو شعبه کسب را داشته باشد سرسال سرمایه او دو برابر شده و هرکس کاسبی دیگری انتخاب کند دور از جان کوفت کاری هم عایدش نمی‌شود..... (روزنامه اطلاعات ۲ بهمن ۱۳۰۸: ۳)

مثال بارز در این زمینه، روند زوال صنایع نساجی کشور و رواج انواع منسوجات خارجی در اواخر دوره قاجار است که با وجود رونق اولیه، به‌ویژه در دوران امیرکبیر، در نهایت به ورشکستگی این صنعت و فعالان صنفی این حوزه منتهی شد. سقوط صنعت بافندگی دستی بر سایر پیشه‌ها و مشاغل وابسته، نظیر رنگرزان، حلاجان و کارگران تأثیر داشت، به‌طوری که صاحبان این مشاغل تقریباً از میدان رقابت خارج شدند. با کاهش و افت توان اقتصادی، تقاضا برای کلاه فروشان، کفشان و منبت کاران نیز کاهش یافت و به‌تدریج صاحبان این صنایع هم شهرها را ترک کردند. (فوران ۱۳۹۲: ۱۹۷)

شایان ذکر است که علی‌رغم تصور انفعال حکومت قاجار در موضوع واردات، در مواردی تدبیرهایی با ویژگی حمایت‌کنندگی در محدودیت ورود و صدور برخی مواد و کالاهای پیشه‌وری در این دوره اندیشیده شد. (کوزنتسوا ۱۳۵۸: ۹۵) از جمله تلاش محمدشاه برای کنترل مصرف تولیدات غربی و برقراری امتیازاتی برای گروه‌هایی چون چیت‌سازان در داخل کشور که با توجه به فقدان امکانات بالقوه برای حفاظت از صنعت ملی ناکام ماند. (فلور ۱۳۹۳: ۱۹) در مجموع اما حکومت قاجار نیز در اجرای برنامه‌های اصلاحات اقتصادی - از جمله اصلاحات گمرکی - بسیار ناکارآمد بود و افزایش درماندگی‌ها، وضعیت پیشه‌وران و بازاریان را به وخامت کشاند.<sup>۱</sup>

باری درپی تحولات ذکر شده در این عرصه، بسیاری از اصناف پیشه‌ور بحران‌های اقتصادی و مالی گوناگونی را تجربه کرده و به ورطه ورشکستگی کشیده شدند. روند فروپاشی نظام کهن تولید صنفی در ایران به‌مانند شماری از کشورهای منطقه سرعت داشت. بسیاری از پیشه‌های تولیدی چون نتوانستند با تغییرات همگام شوند، به فراموشی سپرده شده و در عرصه رقابت با مشاغل جدیدتر و پرطرفدارتر از چرخه تولید و فعالیت اقتصادی



واردات کالای خارجی و بروز بحران در تولیدات پیشه‌وری در دوره ... (زهره شیرین بخش) ۱۴۵

حذف شدند. (یوسفی فر ۱۳۸۹: ۷۷) نام بسیاری از این مشاغل در آمارهای مربوط به آن دوران به چشم می‌خورد؛ پیشه‌های تولیدی که در مواجهه با دوران مدرن و تغییر سبک زندگی مردم ایران از میان رفته یا دچار زوال نسبی شدند، به طوری که اکنون دیگر نشانی از آن‌ها نیست. (نوربخش، ۱۳۸۱/۴: ۲۱۱۱-۲۱۱۶) در دوره منتهی به انقلاب مشروطه، گزارش‌ها از مهاجرت عده زیادی از دهقانان و پیشه‌وران به کشورهای قفقاز و آسیای میانه در فرار از بیکاری و در جست‌وجوی کار و حکایت دارد. (آفاری ۱۳۷۹: ۵۷)

موضوع تحول تاریخی تولید پیشه‌وری در ایران بدین جا ختم نشد. در دوره پهلوی اول در نتیجه سیاست‌های مدرن سازی اقتصادی ایران و با حمایت مستقیم دولت، بخش‌های تولید کارگاهی و صنعتی شتاب گرفت و با توجه به سیاست‌های اقتصادی مدنظر، ملاحظات لازم در باب لزوم برقراری پیوندهای مؤثر بین تولید پیشه‌وری با الزامات رشد اقتصادی در ایران نادیده گرفته شد. از این رو در هنگامه تکاپوهای اقتصادی دولت، بازتولید پیشه‌وری از نظرها دور ماند.

### ۳. واکنش‌های پیشه‌وران در برابر واردات بی‌رویه در دوره قاجار و پهلوی

در این میان پیشه‌وران به طور کلی دو رویکرد درپیش گرفتند که یک مورد «ایجابی» و دیگری «سلبی» بود. در هریک از رویکردهای متوجه بر تولید داخلی و منع ورود کالای خارجی، تلاش‌ها و اقدامات بسیاری صورت گرفت تا از طریق تعیین سیاست‌های اقتصادی مبتنی بر تولید داخلی و حمایت آن و نیز بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی و دینی در این راستا، به مقصود نائل شوند. در نهایت آن‌چه حاصل شد، پاسخگوی توقع این فعالان نبود.

### ۱.۳ رویکرد افزایش تولید داخلی و بسیج اجتماعی به منظور حمایت از این

#### سیاست

این رویه در مقاطع مختلف با نام‌های متفاوت پیگیری می‌شد؛ از جمله در دوره قاجار در تلاش برای رواج امتعه وطنی خود را نمایان ساخت.

در سال‌های نخست انقلاب مشروطه یکی از زمینه‌هایی که در آن، فکر تشکیل شرکت‌های ملی برای توسعه صنایع داخلی ظهور کرد، جنبشی اجتماعی در میان تجار و

اصناف بود که با هدف کاهش وابستگی به کالاهای وارداتی غربی و ترویج صنایع ملی آغاز شد. پیشنهاد تجار و اصناف مشهد برای تشکیل شرکت تولیدی موسوم به «انجمن اثنی عشریه» برای ترویج «امتعه وطنی» یکی از نمونه‌هایی بود که در آن نقش اصناف در این حرکت پررنگ‌تر شد. (اشرف ۱۳۵۹: ۱۰۰-۱۰۲) در اوایل دولت پهلوی اول، تقاضای روزافزون اصناف و پیشه‌وران برای رواج امتعه وطنی و جلوگیری از ورود کالای خارجی تحت عنوان «نهضت اقتصاد» در واکنش به بحران روابط تجاری شوروی و ایران و محدودیت‌های اعمال شده از سوی شوروی در مورد کالاهای ایرانی در مناطق مختلف کشور شکل گرفت و از مطالبات اصلی آن، اهمیت به تولید داخل و «قطع معاملات با دولت شوروی روسیه» بود. البته در این خصوص با سیاست‌های وقت حکومت پهلوی در مقابله با سیاست حکومت شوروی، در اجرای سیاست ایجاد تزییقات در روابط تجاری با مناطق شمالی ایران، همسویی داشت. (مختاری ۱/۱۳۸۰: ۱۸۲-۱۸۳) نهضت اقتصاد در واکنش به بحران روابط تجاری با روسیه و بستن مرزهای این کشور به روی کالاهای ایرانی و برهم زدن توازن صادرات و واردات و با هدف تعدیل و توازن در صادرات و واردات، منع ورود اشیاء تجملی و ملزم نمودن روسیه به رعایت اصول مبادله جنسی شکل گرفت. (همان: ۱۶۸-۱۶۹) در همین زمینه مواضعی از سوی پیشه‌وران در حمایت از تولیدات داخلی و تشویق مردم به استفاده از منسوجات وطنی و در تقبیح واردات بی‌رویه در جراید منتشر می‌شد که حمایت برخی روحانیون را نیز با خود داشت. (روزنامه اطلاعات ۹ دی ۱۳۰۵: ۱) البته قابل ذکر است که این اعلان و مواردی شبیه به این در حمایت از تولیدات کارخانه‌ای ساخت داخل است که در عمل چنین اقداماتی در خروج از بحران تولید، کمکی به پیشه‌وران سنتی نمی‌کرد؛ چرا که اصنافی که به صورت خانگی و دستی یا در کارگاه‌های کوچک سنتی اقدام به بافت پارچه، شال و یا مواردی از این دست می‌کردند، به هیچ عنوان توان رقابت با کارخانه‌های بزرگ منسوجات و پارچه را نداشتند.

### ۲.۳ رویه تحریم کالای خارجی

این رویکرد نیز به‌عنوان یکی از راهکارهای مهم در واکنش به تضعیف تولید داخلی از زمان قاجار شروع شد تا به یکی از خواسته‌های اصلی تجار ایرانی در جلوگیری از ورود سیل بنیان‌کن کالاهای فرنگی جامه عمل پوشد. (اشرف ۱۳۵۹: ۱۰۹) جنبش تحریم امتعه خارجی به‌عنوان یکی از جنبش‌های اقتصادی مهم در تاریخ معاصر، در زمان انقلاب

واردات کالای خارجی و بروز بحران در تولیدات پیشه‌وری در دوره ... (زهره شیرین بخش) ۱۴۷

مشروطه اوج گرفت و تا سال‌های ۱۳۰۰ش به بعد ادامه داشت. هرج و مرج ناشی از خلع محمد علی شاه و پس از آن جنگ جهانی اول که به بی‌نظمی اقتصادی در جهان منجر شد، از شور اولیه این جنبش در دوره مشروطه کاست. اما همچنان از سال‌های ۱۳۰۰ش به بعد، افزایش درآمدهای نفتی، سرمایه‌گذاری‌های دولتی برای تأسیس کارخانجات صنعتی و تأسیس قوانینی چون استعمال البسه وطنی (ربیعی رودسری ۱۳۷۵: ۹۹-۱۰۰) به تداوم آمال این جنبش یاری رساند.

### ۳.۳ تلاش برای جلب سیاست‌های حمایتی دولت

در دوره پهلوی اول، نشانه‌هایی از ناخرسندی پیشه‌وران از روال شغلی و ناتوانی آنان در پیشبرد اهداف تولیدی و اقتصادی وجود دارد. در واکنش آنان گاه خواستار حمایت‌هایی از دولت شده‌اند که بسیاری از آن‌ها به‌نوعی در تداوم خواسته‌های پیشه‌وران در دوره قاجار قرار داشت. از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

#### ۱.۳.۳

درخواست اعمال محدودیت بر واردات و کنترل بازار از طریق ممانعت از ورود کالا، یکی از مطالبات اصلی در مواجهه با موضوع واردات بود. در عریضه صنف نساج و صباغ یزد به مجلس در سال ۱۳۰۷ش به وضوح اشاره شده که علی‌رغم کیفیت بالاتر محصولات داخلی نسبت به نمونه‌های مشابه خارجی، بواسطه ورود البسه خارجی و تمایل عموم مردم به آن‌ها، حدود بیست هزار نفر از صنوف مربوط به نساجی در یزد در شرف زوال قرار گرفته‌اند. کماین‌که صنف کفاش قزوین نیز از واردات کفش خارجی به‌عنوان «سیل خانمان برانداز» یاد کرده است. (کمام: ۱۴ج/۱/۷/۱۵۵/۳۵) و (کمام: ۳۰/۱/۲۴/۶۵۱) بنا بر این مطالبه افزایش حقوق گمرکی و مالیات بر کالاهای وارداتی، رقابت را به سود اصناف ایرانی هموار می‌ساخت و مورد توجه آنان بود. صنف ارسی دوز تبریز نجات معیشت افراد این صنف از خطر را منوط به تغییر قوانین مالیاتی کالاهای خارجی می‌داند. (کمام:

۵۴۹ج/۱۶/۶/۲۸)

### ۲.۳.۳ تقاضای تسهیل صادرات امتعه داخلی از سوی اصناف

قوانین دست و پاگیر در صادرات، از جمله الزام به فروش ارز به دولت هنگام صدور کالا که در مورد تجار رخ می‌داد، با تأثیرگذاری بر صدور محصولات بر وضع اصناف آن‌ها را وامی‌داشت تا از دولت تقاضا کنند با تسهیل صادرات، رونق را به کسب و کار آنان بازگرداند. (کمام: ۷/۱۴۲/۲۸/۲/۱۰۲) مصوبات مربوط به افزایش حقوق گمرکی هزینه تمام شده برخی کالاها را برای صادرات بالا می‌برد و به تبع آن به کاهش صدور آن محصول می‌انجامید. (کمام: ۶/۲۸/۱۶/۶/۵۷۰)

### ۳.۳.۳

تقاضای ترغیب جامعه به استفاده از کالای ایرانی، به‌نوعی در ادامه تلاش برای ترویج امتعه وطنی مطرح می‌شد و با وجود تصویب قوانینی چون لزوم استعمال البسه وطنی در سال ۱۳۰۱ش، این مطالبه در سال‌های بعد نیز طرح می‌شد؛ از جمله درخواست ملزم نمودن ادارات دولتی به استفاده از کالای ایرانی برای پوشش پرسنل دولتی (کمام: ۷/۱۵۵/۳۵/۱/۱۳) یا تقاضا برای کترات دادن قسمتی از البسه قشون به یک صنف. (روزنامه اطلاعات ۵ اسفند ۱۳۰۷: ۳) درخواست توجه بیشتر اولیای امور به استفاده از محصولات وطنی برای ترغیب مردم در این زمینه مطرح است. (کمام: ۷/۱۵۵/۳۵/۱/۱۳) چنان‌که صباغان تغییر سلیقه مردم در انتخاب لباس و گرایش به منسوجات فرنگی را از علل اصلی انحطاط شغلی خود می‌شمردند. (کمام: ۶/۲۳/۱۶/۱/۴۱)<sup>۳</sup> باور به این‌که حتی اولیای امور به محصولات ساخت داخل، به‌ویژه در عرصه منسوجات بی‌توجه‌اند، از موارد مورد توجه اصناف است. عریضه صنف شعرباف یزد با لحن انتقادی نسبت به مجلس بی‌رونقی کسب عباپافان و شعربافان را ناشی از استفاده وکلای ملت از محصولات اروپایی و به تبع آن تقلید سایر افراد ملت از آن‌ها می‌داند و می‌افزاید: «آیا شایسته نبود که عالی دانی و ضعیع و شریف افراد ایرانی لباس وطنی بپوشد و از این حیث جمعی از بافندگان را به نان جو ... می‌رساند.»<sup>۴</sup>

### ۴.۳.۳

تقاضای ارتقاء سطح کیفی محصولات با استفاده از آموزش‌های تکنیکی، از جمله اعزام افرادی برای آموزش استفاده از رنگ‌های ثابت در پارچه برای ارتقاء کیفیت محصولات

واردات کالای خارجی و بروز بحران در تولیدات پیشه‌وری در دوره ... (زهره شیرین بخش) ۱۴۹

برای بالا بردن توان رقابت با محصولات وارداتی در مواردی به چشم می‌خورد. (کمام: ۷/۱۵۵/۳۵/۱/۱۳) همچنین ناآشنایی با تکنولوژی‌های جدید، به‌ویژه در زمینه منسوجات، از جمله رنگ آمیزی پارچه از عوامل بی‌رونقی کسب و کار بود که مورد توجه اصناف قرار گرفته است. در یک مورد شعبان‌خواسته‌اند که در ادارات دولتی از پارچه تولید داخل استفاده شود و فردی برای آموزش استفاده از رنگ‌های جدید در پارچه، اعزام شود تا به افراد این صنف برای ارتقاء کیفیت تولید پارچه کمک کند. درحالی که وزارت فلاحات به علت کمبود بودجه اعزام معلم را میسر نمی‌داند. (کمام: ۶/۵۹/۲۷/۲/۶۹)

### ۵.۳.۳

تقاضای کاهش مالیات دریافتی از سوی اصناف، در شرایطی مطرح می‌شود که برخی اصناف به‌ویژه اصناف خرده‌پا، با توجه به گذشت زمان دیگر کارآیی پیشین را نداشتند و محصولات تولیدی آن‌ها در رقابت با تولید کارخانه‌ای، در مقیاس بسیار محدودتر از گذشته تولید و عرضه می‌شد. بنابراین کاهش مالیات، به مطالبه اصلی عمده اصناف ضعیف و در معرض نابودی مبدل گشت. (کمام: ۶/۲۴/۱۶/۲/۱۱۶) کاهش توان مالی اصناف در پی کاهش تقاضا، در گذر زمان سبب شد که مالیات‌ها به‌عنوان وجوه تحمیلی تلقی شود. صنف پلیس چی تبریز شکایت کرده که با وجود ضعف بنیه مالی، اداره مالیه درخواست پنجاه تومان مالیات دارد و درخواست کرده مجلس دستور دهد کسی متعرض این صنف از پا افتاده نشود. (کمام: ۶/۲۳/۱۶/۱/۷۵)

### ۶.۳.۳

ابراز نگرانی اصناف در مورد تبعات احتمالی تأسیس کارخانجات جدید برای شغل‌شان و درخواست اتخاذ تدابیری از سوی دولت قابل توجه است. (روزنامه اطلاعات ۲ مرداد ۱۳۰۶: ۱)، (۶/۴۸/۲۳/۱/۲۶) تأسیس کارخانه وطن اصفهان که تهیه بخشی از پوشاک نظامی را برعهده گرفته بود، به تهدید شغلی حدود ده هزار نفر از اعضای صنف برکباف اصفهان منجر شد. نماینده این صنف ادعا کرده با وجود قیمت بالاتر و کیفیت پایین‌تر محصولات این کارخانه، تهیه لباس ارتش به آن‌ها سپرده شده، درحالی که معامله با صنف برکباف برای دولت مقرون به‌صرفه تر است. (کمام: ۷/۱۰۲/۱۴/۲/۸۹)

#### ۴. مواضع دولت

دوران فعالیت‌های گسترده و تأثیرگذار تجار و پیشه‌وران در آغاز سده ۱۴ق، با ظهور حکومت پهلوی اول دچار دگرگونی‌هایی شد. مجموعه‌ای از عوامل مطرح شده پیش از این که همچنان تداوم داشت، در کنار تلاش دولت برای راه‌اندازی صنایع کارخانه‌ای و مدرن، به پیچیدگی وضعیت اصناف دامن زد. در این مقطع، پیشه‌وران، فروشندگان جزء و دست‌اندرکاران صنایع دستی بدترین لطمه را نه از دولت، بلکه از تولید صنعتی و واردات مصنوعات خارجی متحمل شدند. به همان اندازه که دولت در پیشبرد سیاست صنعتی کردن کوشید، تولید صنایع دستی و پیشه‌وری دستخوش انحطاط شد. مهمترین علل این انحطاط، گسترش صنایع بافندگی، فلزکاری و سایر صنایع کارخانه‌ای در کنار کاهش هزینه‌های حمل و نقل بعد از سال ۱۹۳۰م/ ۱۳۰۹ش بود. (فوران ۱۳۹۲: ۳۵۸) سرعت و دقت تولید صنعتی، همه رشته‌های تولید سنتی را مورد تهدید قرار می‌داد. ظهور و گسترش صنایع کارخانه‌ای که با هدف رفع نیازمندی‌های داخلی و نظامی سرعت گرفته بود، موجب ازدست رفتن تدریجی توان پیشه‌وری در عرصه تولید و رقابت شد. (فیوضات ۱۳۷۲: ۹۴-۹۵) از آن‌جا که پیشه‌وران، تولیدات خود را مستقیماً به مصرف‌کنندگان می‌فروختند، با رشد صنایع تولیدکننده کالاهای مشابه، امکانات تولید خود را از دست دادند و نقش آنان در بازار تولید و عرضه محدود شد. (رزاقی ۱۳۸۱: ۲۲۴)

دولت ایران از ۱۹۲۱م/ ۱۲۹۹ش به بعد با هدف تشویق ایرانیان به استفاده از تولیدات داخلی دست به اقدامات و ابتکاراتی زد: اجبار کارمندان دولت به پوشیدن پارچه‌های ساخت ایران، ایجاد نمایشگاه‌هایی برای کالاهای وطنی، تشویق به خرید ابزارآلات کشاورزی از طریق اعطای امتیازات مالیاتی با هدف افزایش بازدهی محصولات داخلی، احداث کارخانه‌های چغندر قند و امثالهم، (پیردیگار و همکاران ۱۳۷۸: ۹۴-۹۵) همچنین ابلاغ تصویب نامه‌هایی در حمایت از صنایع داخلی، از جمله تصویب نامه ممنوعیت استعمال کلاه پهلوی ساخت خارج و اخذ جریمه از متخلفان، دستورالعمل به وزارتخانه‌ها توسط هیأت دولت برای جلوگیری از خسارت به کلاه دوزها (روزنامه اطلاعات ۱۴ اردیبهشت ۱۳۰۸: ۲)، تصمیم هیأت وزرا مبنی بر لغو مصوبه قبلی خود در منع ورود ابریشم مصنوعی برای جلوگیری از صدمه زدن به صنف جوراب باف و ژاکت باف (همان ۱۵ اردیبهشت ۱۳۰۸: ۲) پیشنهاد وزارت فوائد عامه به وزارتخانه‌ها برای تأمین پارچه مورد نیاز پرسنل خود از منسوجات داخلی و دستور وزارت جنگ برای خرید چهل هزار

زرع پارچه از نساجان یزدی برای لباس تابستانی نظامیان (همان ۱۹ فروردین ۱۳۰۸: ۲) و در نظر گرفتن بودجه برای آموزش صنایع بومی و ملی (همان ۱۰ اسفند ۱۳۰۸: ۳) نمونه‌ای از این راهکارهاست.

با این وجود عمده هم دولت، صرف صنایع جدید و ماشینی بود. نظراتی مبنی بر عدم حمایت مؤثر از تولیدات داخلی، از جمله منسوجات دست بافت سنتی وجود داشت.<sup>۵</sup> برخی گزارش‌ها بر ادامه روند زوال صنایع بومی در بسیاری از شهرها همچون کاشان و نطنز و کازرون و آذربایجان به عللی چون عدم تشویق اولیای امور، ارزانی منسوجات خارجی و ... دلالت دارد. (مختاری ۱۳۸۳: اغلب گزارش‌ها) صنایع ماشینی روند صنایع کارگاهی را از مسیر اصلی خود خارج کرد و با ظهور صنایع کارگاهی جدید، کارگاه‌های سنتی در سراسریی قرار گرفت. این بخش از تولید، علی‌رغم سنت دیرینه و قدمت تاریخی، نتوانست در مقابل نظام مبتنی بر ماشین‌پایداری کند و مقهور آن شد. (فیوضات ۱۳۷۴: ۵۸ و ۶۶) در نیمه اول سلطنت رضا شاه، یعنی حد فاصل سال‌های ۱۳۱۲-۱۳۰۵ ش، نشانه‌های چندانی از توسعه و نوسازی صنایع کارخانه‌ای دیده نمی‌شود؛ در حالی که در نیمه دوم سلطنت رضا شاه، حمایت زیادی از صنایع به عمل آمد. از اواخر این دوره بود که دولت مستقیماً در کارخانه‌های مدرن، به‌ویژه کارخانه‌های قند سازی سرمایه‌گذاری‌هایی کرد. در سال ۱۳۲۰ ش، بودجه برپایی کارخانه‌های ماشینی و مدرن از جمله تولید قند و شکر، محصولات نخی و ابریشمی و ... به نسبت سال ۱۳۱۳ ش، تقریباً پنجاه برابر شده بود. (کاتوزیان ۱۳۷۴: ۱۶۱ و ۱۷۷)

از نظر حجم و ارزش تجارت خارجی، گرچه در فاصله سی ساله ابتدای جنگ جهانی اول تا پایان جنگ جهانی دوم، از جمله دوره بیست ساله حاکمیت رضا شاه، در ترکیب واردات و صادرات کشور تغییراتی پدید آمد، با این‌همه به لحاظ ساختی، دگرگونی در روند بازرگانی خارجی حاصل نشد و ایران همچنان صادرکننده مواد خام و واردکننده کالاهای ساخته شده صنعتی باقی ماند. (رزاقی ۱۳۸۱: ۱۹)<sup>۶</sup> از نظر ترکیب کالاهای وارداتی قبل از جنگ جهانی اول و بلافاصله بعد از آن، بیش از ۹۰ درصد واردات ایران، کالاهای مصرفی بود. اقلام اصلی شامل پارچه، شکر و چای بود که مجموعاً ۶۰ درصد ارزش کل واردات را تشکیل می‌داد.<sup>۷</sup> در پایان دهه نخست حکومت پهلوی، سهم کالاهای مصرفی به حدود ۸۰ درصد واردات مشمول حقوق گمرکی کاهش یافت. ۲۰ درصد باقی‌مانده تقریباً به‌طور مساوی بین کالاهای سرمایه‌ای و مواد خام، از جمله سوخت، تقسیم می‌شد.<sup>۸</sup> زمانی

که برنامه صنعتی کردن و احداث راه آهن در اوج خود بود، سهم کالاهای سرمایه‌ای باز هم بیشتر شد و در سال ۱۳۱۷ش به بیشترین حد خود رسید؛ یعنی بیش از ۳۰ درصد کل واردات. بعد از سال ۱۳۱۱ش با کاهش واردات سوخت و نخ، سهم واردات مواد خام نیز رو به کاهش نهاد. تا جنگ جهانی دوم که واردات کالاهای سرمایه‌ای به شدت کاهش یافت. (میرجلیلی و دیگران ۱۳۸۹: ۹۶) در سال‌های بعد از ۱۳۰۰ش تا دهه ۱۳۴۰ش، واردات همواره از لحاظ کمی و کیفی تغییر یافت و واردات ماشین‌آلات نیز علاوه بر کالاهای مصرفی اهمیت پیدا کرد. (رزاقی ۱۳۸۱: ۲۴۰-۲۴۱)

مجلس نیز در مقاطعی نسبت به واردات بی‌رویه و عدم حمایت دولت از صنایع داخلی و واردات کالاهای غیرضروری مانند مشروبات الکلی که در شرع نیز حرام محسوب می‌شد، سیمان و اتومبیل واکنش نشان می‌داد. اما دولت ضمن ارائه راهکارهایی برای حل این معضل، بر این اعتقاد بود که نسبت به تسهیل صادرات و حمایت از صنایع بومی همچون قالی حساس است و واردات برخی اجناس را نیز در جهت یاری رساندن به اقتصاد مملکت توصیف کرد. (روزنامه اطلاعات ۶ شهریور ۱۳۰۸: ۱) همچنین بی‌رونقی صنایع سنتی و کاهش منزلت اجتماعی و اقتصادی برخی اصناف مورد توجه مجلس قرار گرفت. (مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۵، جلسه ۸۱، ۲۱ عقرب ۱۳۰۳ش)

در مجموع دولت در دوره پهلوی اول گرچه نسبت به حمایت از تولیدات داخلی موضع انفعالی نداشت، اما این سیاست حمایتی اولاً عمدتاً متوجه صنایع کارخانه‌ای بود که در پی سیاست صنعتی سازی اتخاذ شد. ثانیاً آن دسته از حمایت‌هایی که از تولیدات پیشه‌وری صورت می‌گرفت، هدفمند و برنامه‌ریزی شده نبود و بیشتر ماهیت موقتی داشت و چنان‌که پیش از این نیز اشاره شد، به نظر می‌رسد، در بحبوحه برنامه‌ریزی‌ها و تلاش‌های دولت در عرصه اقتصاد، پیشه‌وران به عرصه فراموشی سپرده شدند. در همین حال واردات خارجی نیز معضلی گریبان‌گیر این عرصه بود و ایران همچنان صادرکننده مواد خام و واردکننده کالاهای مصرفی باقی ماند.

## ۵. نتیجه‌گیری

در بررسی سیر حیات پیشه‌وری در ایران، واردات کالای خارجی به‌عنوان یکی از معضلات گریبان‌گیر این عرصه از دوره قاجار به بعد قابل ردیابی است. فقدان زیرساخت‌های لازم در تولید و عدم توان رقابت در تولید پیشه‌وری، به تداوم این معضل در دوره پهلوی اول



انجامید و سیاست صنعتی سازی دولت به بحران زوال حیات پیشه‌وری دامن زد. با این وجود در تمامی این مقاطع تلاش‌هایی از سوی فعالان اقتصادی و اصناف تولیدی برای برون رفت از این معضل انجام شد که در دوره پهلوی و در پی ناتوانی اقتصادی رو به فزونی اصناف، این حرکت‌ها عمدتاً دربرگیرنده مطالبات از دولت بود؛ گرچه در مقاطعی نوعی بسیج ملی از سوی فعالان اقتصادی در پیش گرفته شد، اما ماهیت این مطالبات، از جمله حمایت از صنایع دست ساز بومی و جلوگیری از ورود امتعه خارجی به گونه‌ای بود که جز با دخالت مستقیم دولت در اقتصاد دولت محور ایران، راه به جایی نمی‌برد. در نهایت تغییر ذائقه عمومی و فقدان حمایت کافی از این حوزه که پیش‌تر دچار ضعف و رکود بودند، سیر انحطاط تدریجی را برای تولید پیشه‌وری رقم زد. در این مقطع، روند فروپاشی نظام کهن صنفی در ایران در پی بحران‌های مالی و اقتصادی و ناتوانی اصناف بومی در رقابت با کالاهای خارجی شدت گرفت؛ این تحولات منجر به تغییر وضعیت پیشه‌وران سنتی و کهن و کساد کسب و کار و از رونق افتادن معیشت این گروه شد.

### پی‌نوشت‌ها

۱. با وجود افت غیرقابل انکار صنایع دستی و بومی ایران در دوره قاجار، این دوران شاهد رشد برخی رشته‌ها نیز بود: از جمله حلبی سازی، شغلی که تا قبل از نیمه سده نوزدهم وجود نداشت و بعد از آن در اصفهان پا گرفت و به سرعت رشد کرد. اُرسی دوزی یا دوزندگی کفش‌های روسی یا عبا بافی که تا پیش از این جماعت کوچکی در اصفهان بودند، اما در آن زمان به یک صنف بزرگ و مهم تبدیل شده بودند که محصول خود را در سراسر کشور به فروش می‌رساندند. (تحویلدار، ۱۳۸۸: ۱۱۸-۱۲۹) اگر تجارت خارجی و واردات، به صنایع دستی لطمه وارد کرد، در مقابل ارتقاء صناعی مانند چرم، تریاک، حنا، ابریشم و مهم‌تر از همه، صنعت قالی بافی شد که از گسترش بازارهای خارجی سود می‌برد. (عیسوی ۱۳۶۲: ۴۰۰-۴۰۱)
۲. در این مقاله برای اسناد کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی نام اختصاری «کمام» استفاده شده است.

صنف صباغ اسد آباد با اشاره به تغییر سلیقه مردم در انتخاب لباس و گرایش به منسوجات فرنگی خطاب به مجلس می‌نویسد:

۳. از موقعی که ما ایرانیان بدبختی و تنزل را استقبال ... و اتفاق به تخریب اساسی زنده گانی ... و بی‌منت خود گذاشته و خودمان را از بابت تهیه تجمل و لطافت لباس محتاج باج‌نمی‌کردیم؛ کم‌کم نساجی‌ها مضمحل و بالتبع صباغیها رو بانحطاط گذاشته ... (کمام ۱/ج ۸/۲۲/۶۷)

۴. صنف شعرباف علت کسادى صنف خود را در استفاده وکلای ملت از محصولات اروپایی و به تبع آن تقلید سایر افراد ملت از آنها می‌داند که در نتیجه آن، بیست نفر شعرباف یزدی در عرض مدت کوتاهی از فقر و گرسنگی از بین رفتند. (کمام: ۷/۱۵۵/۳۵/۱/۱۳)
۵. انتقاد نشریه حبل المتین از عدم تشویق صنایع وطنی از جمله منسوجات در این دوره در اشاره به همین گلايه‌هاست. (حبل المتین، س ۳۲، جمادی الاول ۱۳۴۳ق: ۱۷)
۶. برخلاف صادرات، روند رشد واردات در ابتدای دوره پهلوی اول فزاینده، در سال‌های میانی کاهنده و در سال‌های پایانی روندی فزاینده و مجدداً روندی کاهنده داشته است؛ بنابراین از یک روند ثابت برخوردار نبود. در سال ۱۳۱۰ش برای اولین بار مقدار و ارزش صادرات بر مقدار و ارزش واردات (بدون احتساب صادرات نفتی) فزونی یافت؛ اما از سال ۱۳۱۱ش واردات بر صادرات غیرنفتی فزونی یافت و یکی از دلایل آن، ورود ماشین‌آلات کارخانه‌ای از قبیل قند و شکر، نساجی و سیمان بود که این کسری و عدم توازن با صدور نفت جبران می‌شد. (موسائی: ۱۳۹۰-۵۴)
۷. در اوایل قرن بیستم با توجه به گسترش اعتیاد عموم مردم به چای، سهم قند و شکر و چای رفته‌رفته افزایش یافت و به حدود یک سوم کل واردات رسید و سهم منسوجات به کمتر از نصف واردات کاهش یافت. (اشرف ۱۳۵۹: ۹۰-۹۱)
۸. در صورت واردات (کنتنژان) سال اقتصادی ۱۳۱۱ش، لیستی از انواع کالاها همچون انواع پارچه‌ها، محصولات چرمی، چینی آلات، انواع کاغذ، گالوش و ... به چشم می‌خورد. (کیهان، ۱۳۱۱/۳: ۳۳۶-۳۷۳)

## کتاب نامه

- اشرف، احمد و بنوعزیزی، علی (۱۳۸۷)، *طبقات اجتماعی دولت و انقلاب در ایران*؛ ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، چاپ اول، تهران: نیلوفر.
- اشرف، احمد (۱۳۵۹)، *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران*؛ تهران: زمینه.
- آفاری، ژانت (۱۳۷۹)، *مشروطه ایران*؛ ترجمه رضا رضایی، تهران: بیستون.
- پورشافعی، مجید (۱۳۸۵)، *اقتصاد کوچک*؛ چاپ اول، تهران: گام نو.
- پیردیگار، ژان، برنار هورکاد و یان ریشار (۱۳۷۸)، *ایران در قرن بیستم*؛ تهران: البرز.
- تحویلدار، میرزا حسین خان ابن محمد ابراهیم؛ (۱۳۸۸)، *جغرافیای اصفهان*؛ به کوشش الهه تیرا، تهران: اختران.
- رزاقی، ابراهیم (۱۳۸۱)، *اقتصاد ایران*؛ تهران: نی.
- سیف، احمد (۱۳۷۳)، *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم*؛ تهران: چشمه.

- سیف، احمد (۱۳۸۷)، قرن گمشده؛ تهران: نی.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲)، تاریخ اقتصادی ایران؛ ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.
- فلور، ویلم (۱۳۹۳)، صنایع کهن در دوره قاجار؛ ترجمه علیرضا بهارلو، تهران: پیکره.
- فوران، جان (۱۳۹۲)، مقاومت شکننده؛ ترجمه احمد تدین، چاپ چهاردهم، تهران: رسا.
- فیوضات، ابراهیم (۱۳۷۲)، بررسی تحولات استاد شاگردی در ایران؛ تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- فیوضات، ابراهیم (۱۳۷۴)، توسعه صنعتی و موانع آن در ایران؛ تهران: آگه.
- کاتوزیان، محمد علی همایون (۱۳۷۴)، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی؛ تهران: مرکز.
- کرزن، جرج ناتانل، ایران و قضیه ایران (۱۳۸۷)، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی؛ تهران: علمی و فرهنگی.
- کوزنتسوا، ن. آ. (۱۳۵۸)، اوضاع سیاسی و اقتصادی - اجتماعی ایران در پایان سده هجدهم تا نیمه نخست سده نوزدهم؛ ترجمه سیروس ایزدی، تهران: بین‌الملل.
- کیهان، مسعود (۱۳۱۱)، جغرافیای مفصل ایران؛ تهران: ابن سینا.
- مختاری اصفهانی، رضا (۱۳۸۰)، اسنادی از انجمن‌های بلدی تجار و اصناف ۱۳۰۰-۱۳۲۰ ش؛ تهران: خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی دفتر ریاست جمهوری.
- مختاری اصفهانی، رضا (۱۳۸۳)، گزارش‌های ایالات و ولایات از اوضاع اجتماعی - اقتصادی ایران در سال ۱۳۱۰ ش؛ تهران: مرکز اسناد ریاست جمهوری.
- موسائی، میثم (۱۳۹۰)، تجارت خارجی ایران در عهد قاجار و پهلوی؛ تهران: جامعه‌شناسان.
- میرجلیلی، حسین و دیگران (۱۳۸۹)، تجارت در جهان اسلام؛ ترجمه موسی احمدیان و دیگران، تهران: کتاب مرجع.
- نوربخش، مسعود (۱۳۸۱)، تهران به روایت تاریخ؛ جلد چهارم، تهران: علم.
- یوسفی فر، شهرام (۱۳۸۹)، سرگذشت بازار بزرگ تهران، بازارها و بازارچه‌های پیرامونی آن در دو بیست سال اخیر؛ تهران: بنیاد ایران‌شناسی.
- ربیعی رودسری، منیژه، جنبش تحریم امتعه خارجی در تاریخ معاصر، مجله تحقیقات اسلامی، ش ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۷۵.
- غلامی، شهرام، نظام اقتصاد جهانی و صنعتی سازی جایگزین واردات در دوره رضا شاه: اهداف و پیامدها، مجله پژوهش‌های علوم تاریخی، ش ۱، دوره ۶، ۱۳۹۳.
- اطلاعات: ۲ بهمن ۱۳۰۸، ش ۹: ۹۵۵ دی ۱۳۰۵، ش ۱۱۱؛ ۲ مرداد ۱۳۰۶، ش ۵: ۲۶۷ اسفند ۱۳۰۷، ش ۱۴: ۷۱۲ اردیبهشت ۱۳۰۸، ش ۱۵: ۷۵۶ اردیبهشت ۱۳۰۸، ش ۱۹: ۷۵۷ فروردین ۱۳۰۸، ش ۷۳۶؛ ۶ شهریور ۱۳۰۸، ش ۱۰: ۷۹۶ اسفند ۱۳۰۸، ش ۹۴۸.
- حبل‌المتین: س ۳۲، ش ۲۱، جمادی الاول ۱۳۴۳ ق

۱۵۶ پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، سال نهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام):

۶۷۵۱/۲۴/۱/۳۰، ۶۷۲۸/۱۶/۶/۵۴۹، ۶۷۲۸/۱۶/۶/۵۷۰، ۶۷۲۳/۱۶/۱/۴۱، ۶۷۴۶۲۲/۱/۸  
۶۷۲۴/۱۶/۲/۱۱۶، ۶۷۲۳/۱۶/۱/۷۵، ۶۷۴۸/۲۳/۱/۲۶، ۶۷۵۹/۲۷/۲/۶۹

۷/۱۰۲/۱۴/۲/۸۹، ۷/۱۵۵/۳۵/۱/۱۳، ۷/۱۴۲/۲۸/۲/۱۰۲، ۷/۱۵۵/۳۵/۱/۱۴

لوح مشروح؛ مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی و اسلامی، مرکز پژوهش‌های کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

